

به نام خدا

پرورش هوش هیجانی در آموزش؛ نقش مشاوره تحصیلی

مؤلف :

شها شمعونی اهوازی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : شمعونی اهوازی، شهلا، ۱۳۴۶
عنوان و نام پدیدآور : پرورش هوش هیجانی در آموزش ؛ نقش مشاوره تحصیلی / مولف: شهلا شمعونی اهوازی
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۲۳ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۵۶-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : پرورش هوش هیجانی در آموزش - نقش مشاوره تحصیلی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : پرورش هوش هیجانی در آموزش ؛ نقش مشاوره تحصیلی
مولف : شهلا شمعونی اهوازی
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۵۶-۵
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار.....	۹
فصل اول: مبانی نظری هوش هیجانی در آموزش.....	۱۳
تعریف و مفهوم هوش هیجانی.....	۱۳
تاریخچه شکل گیری نظریه هوش هیجانی.....	۱۴
رویکردهای مختلف به هوش هیجانی.....	۱۵
تفاوت هوش هیجانی و هوش شناختی.....	۱۶
اهمیت هوش هیجانی در زندگی تحصیلی.....	۱۷
مولفه های اصلی هوش هیجانی.....	۱۸
خودآگاهی هیجانی در یادگیری.....	۱۹
خودتنظیمی هیجانی در محیط آموزشی.....	۲۰
انگیزش و نقش آن در پیشرفت تحصیلی.....	۲۱
همدلی و تعاملات آموزشی.....	۲۲
مهارت های اجتماعی در کلاس درس.....	۲۳
نقش هیجان ها در فرآیند یادگیری.....	۲۳
هوش هیجانی از دیدگاه روان شناسی تربیتی.....	۲۴
هوش هیجانی از منظر علوم اعصاب.....	۲۵
رابطه هوش هیجانی و سلامت روان دانش آموز.....	۲۶
تأثیر فرهنگ بر هوش هیجانی.....	۲۷
هوش هیجانی در نظام های آموزشی مختلف.....	۲۸
نقش خانواده در شکل گیری هوش هیجانی.....	۲۹
چالش های نظری در تعریف هوش هیجانی.....	۲۹

۳۰	نقدها و دیدگاه‌های مخالف
۳۱	نقش مشاوره تحصیلی در پرورش هوش هیجانی
۳۲	استراتژی‌های مشاوره برای افزایش خودآگاهی هیجانی
۳۳	فصل دوم: بازخورد معلم
۳۳	مفهوم بازخورد در آموزش
۳۴	بازخورد مؤثر و غیرمؤثر
۳۵	بازخورد توصیفی و ارزشیابی
۳۶	بازخورد مثبت و منفی
۳۷	زمان مناسب برای ارائه بازخورد
۳۸	شیوه‌های ارائه بازخورد
۳۸	بازخورد کتبی و شفاهی
۳۹	بازخورد گروهی و فردی
۴۰	بازخورد مستمر و دوره‌ای
۴۱	نقش بازخورد در اصلاح رفتار
۴۲	ارتباط بازخورد و اعتماد به نفس
۴۳	بازخورد و خودکارآمدی دانش‌آموز
۴۴	بازخورد و خودتنظیمی یادگیری
۴۴	تأثیر بازخورد بر انگیزه درونی
۴۵	تأثیر بازخورد بر انگیزه بیرونی
۴۶	ویژگی‌های معلم مؤثر در ارائه بازخورد
۴۷	چالش‌های ارائه بازخورد
۴۹	فصل سوم: انگیزه تحصیلی

تعریف انگیزه تحصیلی	۴۹
عوامل شخصیتی انگیزه	۵۰
عوامل محیطی انگیزه	۵۰
انگیزه درسی و عملکرد تحصیلی	۵۱
تفاوت انگیزه دانش‌آموزان دختر و پسر	۵۲
انگیزه و موفقیت تحصیلی	۵۳
انگیزه و استرس تحصیلی	۵۴
نقش خودکارآمدی در انگیزه	۵۵
نقش هدف‌گذاری در انگیزه	۵۶
نقش علاقه و ارزش‌گذاری در انگیزه	۵۷
انگیزه و سبک یادگیری	۵۷
تأثیر رقابت در انگیزش	۵۸
تأثیر همکاری در انگیزش	۵۹
انگیزه و خلاقیت تحصیلی	۶۰
انگیزه و اعتماد به نفس	۶۱
انگیزه و پشتکار تحصیلی	۶۲
انگیزه و مدیریت زمان	۶۳
نقش تشویق و تنبیه در انگیزه	۶۳
فصل چهارم: تعامل بازخورد و انگیزه بازخورد و ایجاد انگیزه درونی	۶۵
بازخورد و ایجاد انگیزه درونی	۶۵
بازخورد و ایجاد انگیزه بیرونی	۶۶
بازخورد توصیفی و انگیزه	۶۶

۶۷	 بازخورد ارزشیابی و انگیزه
۶۸	 بازخورد مثبت و تأثیر آن
۶۹	 بازخورد منفی و مدیریت آن
۷۰	 بازخورد فوری و انگیزه
۷۱	 بازخورد تأخیری و انگیزه
۷۱	 بازخورد مستمر و انگیزه
۷۲	 بازخورد گروهی و فردی
۷۳	 بازخورد و خودکارآمدی
۷۴	 بازخورد و خودتنظیمی یادگیری
۷۴	 بازخورد و علاقه‌مندی به درس
۷۵	 بازخورد و مشارکت دانش‌آموز
۷۶	 بازخورد و اعتماد به نفس
۷۷	 بازخورد و کاهش اضطراب تحصیلی
۷۷	 بازخورد و عملکرد تحصیلی
۷۸	 راهکارهای افزایش انگیزه از طریق بازخورد
۷۹	 فصل پنجم: بازخورد آموزشی در بستر تجربه یادگیری
۷۹	 جایگاه بازخورد در فرایند یاددهی-یادگیری
۸۰	 درک دانش‌آموز از پیام‌های آموزشی معلم
۸۱	 تجربه زیسته دانش‌آموزان از بازخورد کلاسی
۸۲	 بازخورد به‌عنوان عامل هدایت یادگیری
۸۳	 تأثیر لحن و بیان بازخورد بر دریافت دانش‌آموز
۸۴	 بازخورد و شکل‌گیری نگرش تحصیلی

۸۵		بازخورد در تعاملات روزمره کلاس
۸۶		بازخورد و احساسات تعلق به محیط آموزشی
۸۷		بازخورد و کیفیت ارتباط معلم و دانش آموز
۸۸		بازخورد و ادراک عدالت آموزشی
۸۹		تفاوت های فردی در دریافت بازخورد
۹۰		بازخورد و تجربه موفقیت تحصیلی
۹۰		بازخورد و درگیری شناختی دانش آموز
۹۱		بازخورد به مثابه ابزار رشد تدریجی
۹۲		بازخورد و مسئولیت پذیری تحصیلی
۹۳		بازخورد و پایداری در یادگیری
۹۴		بازخورد در موقعیت های رسمی و غیررسمی
۹۵		بازخورد و بازاندیشی در عملکرد دانش آموز
۹۵		بازخورد به عنوان بخشی از فرهنگ کلاس
۹۷		فصل ششم: انگیزش تحصیلی در تعامل با محیط آموزشی
۹۷		انگیزه به عنوان نیروی محرک یادگیری
۹۸		ریشه های روان شناختی انگیزش تحصیلی
۹۹		انگیزه و تجربه معنا در یادگیری
۹۹		نقش محیط کلاس در برانگیختن انگیزه
۱۰۰		انگیزه و احساس شایستگی تحصیلی
۱۰۱		انگیزه و ادراک ارزش درس
۱۰۲		پیوند انگیزه و تلاش مستمر
۱۰۳		انگیزه و مدیریت چالش های تحصیلی

انگیزه و واکنش به موفقیت و شکست	۱۰۴
انگیزه و میزان مشارکت کلاسی	۱۰۴
انگیزه و جهت‌گیری هدف‌های تحصیلی	۱۰۵
انگیزه و تنظیم رفتار یادگیری	۱۰۶
انگیزه و پایداری در انجام تکالیف	۱۰۷
انگیزه و کیفیت تمرکز در کلاس	۱۰۸
انگیزه و خلاقیت در فعالیت‌های درسی	۱۰۹
انگیزه و انعطاف‌پذیری تحصیلی	۱۰۹
انگیزه و تعاملات اجتماعی در مدرسه	۱۱۰
انگیزه و تجربه پیشرفت فردی	۱۱۱
انگیزه و رضایت از یادگیری	۱۱۲
انگیزه و تداوم مسیر تحصیلی	۱۱۳
انگیزه به‌عنوان محصول تعامل آموزشی	۱۱۴
سخن پایانی	۱۱۵
منابع و مآخذ	۱۱۹
منابع فارسی	۱۱۹
منابع انگلیسی	۱۲۱

پیشگفتار

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دنیای آموزش و پرورش امروز، ایجاد محیطی است که در آن دانش‌آموزان بتوانند نه تنها دانش و مهارت‌های علمی را کسب کنند، بلکه توانمندی‌های هیجانی، اجتماعی و انگیزشی خود را نیز پرورش دهند. تجربه نشان داده است که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تنها به هوش شناختی و توانایی‌های فکری آنان محدود نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی و رفتاری در یادگیری و پیشرفت آنان نقش تعیین‌کننده دارد. در این زمینه، هوش هیجانی، انگیزه تحصیلی و بازخورد آموزشی از جمله عوامل کلیدی هستند که می‌توانند مسیر یادگیری را هموار و اثربخشی فرآیند آموزشی را افزایش دهند.

هوش هیجانی، توانایی شناخت، فهم و مدیریت هیجان‌ها در خود و دیگران را شامل می‌شود و به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. دانش‌آموزی که هوش هیجانی بالایی دارد، می‌تواند هیجان‌های منفی مانند اضطراب یا ناامیدی را مدیریت کند، با همکلاسی‌ها و معلمان تعامل مؤثر داشته باشد و در مواجهه با چالش‌های تحصیلی انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهد. این توانایی‌ها، زمینه‌ساز ایجاد انگیزه داخلی و تقویت مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش هیجانی به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد تحصیلی، خلاقیت، پشتکار و رضایت از یادگیری تأثیرگذار است و معلمان با شناخت و پرورش این مهارت‌ها می‌توانند کیفیت آموزش را به میزان قابل توجهی ارتقا دهند.

انگیزه تحصیلی نیز از جمله عوامل اساسی است که نقش پیش‌ران یادگیری را ایفا می‌کند. انگیزه، نیرویی است که رفتار دانش‌آموزان را هدایت، جهت‌دهی و پایداری می‌بخشد و میزان تلاش، تمرکز و درگیری آنان با فعالیت‌های یادگیری را تعیین می‌کند. دانش‌آموزان با انگیزه بالا، نه تنها به دنبال موفقیت در آزمون‌ها و تکالیف هستند، بلکه یادگیری عمیق‌تر، پرسشگری فعال و تعامل مثبت با محیط آموزشی را تجربه می‌کنند. انگیزه تحصیلی از عوامل درونی مانند علاقه به درس، احساس شایستگی، هدف‌گذاری و اعتماد به نفس و همچنین از عوامل بیرونی مانند حمایت معلمان، بازخورد آموزشی و محیط کلاس نشأت می‌گیرد. فهم دقیق این عوامل و چگونگی تعامل آن‌ها، به معلمان و مربیان کمک می‌کند تا شرایطی فراهم کنند که دانش‌آموزان بتوانند توانمندی‌های خود را به شکل بهینه بروز دهند.

بازخورد آموزشی نیز به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در هدایت یادگیری، جایگاه ویژه‌ای در نظام آموزش دارد. بازخورد مؤثر می‌تواند دانش‌آموزان را در شناسایی نقاط قوت و ضعف، اصلاح رفتار یادگیری و دستیابی به اهداف تحصیلی یاری دهد. تفاوت بازخورد مثبت و منفی، بازخورد توصیفی و ارزشیابی، و همچنین زمان و شیوه ارائه آن، تأثیر مستقیمی بر انگیزه، اعتماد به نفس و خودکارآمدی دانش‌آموزان دارد. بازخوردی که با احترام، شفافیت و توجه به تفاوت‌های فردی ارائه شود، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا به شکل فعال در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند و به تدریج مهارت‌های خودتنظیمی یادگیری را توسعه دهند. از سوی دیگر، بازخورد ناکارآمد یا غیرشفاف می‌تواند اثرات منفی بر انگیزه و تجربه تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد و حس ناامیدی و کاهش مشارکت را در آنان ایجاد کند.

یکی از نکات برجسته در این کتاب، نگاه جامع به تعامل میان هوش هیجانی، انگیزه تحصیلی و بازخورد آموزشی است. هر یک از این مؤلفه‌ها به صورت مستقل اهمیت دارند، اما وقتی در کنار یکدیگر بررسی می‌شوند، پیچیدگی‌ها و فرصت‌های بیشتری برای بهبود یادگیری نمایان می‌گردد. برای مثال، دانش‌آموزانی که مهارت‌های هیجانی بالایی دارند، قادرند بازخورد منفی را به عنوان فرصتی برای یادگیری تلقی کنند و از آن برای بهبود عملکرد خود بهره ببرند. این فرآیند نه تنها انگیزه درونی آنان را تقویت می‌کند، بلکه موجب شکل‌گیری رفتارهای مثبت، مسئولیت‌پذیری و پایداری در یادگیری می‌شود. از سوی دیگر، معلمانی که از دانش هوش هیجانی خود در تعامل با دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، بازخوردهای اثربخش‌تری ارائه می‌دهند و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند.

کتاب حاضر، تلاشی است برای گردآوری دانش موجود در حوزه هوش هیجانی، انگیزه تحصیلی و بازخورد آموزشی، همراه با ارائه چارچوب‌ها، مفاهیم، مدل‌ها و راهکارهای کاربردی برای معلمان، دانشجویان رشته‌های تربیتی و پژوهشگران حوزه آموزش. در فصل‌های مختلف کتاب، ابتدا مبانی نظری هوش هیجانی و انگیزه تحصیلی تشریح شده است تا خواننده با اصول و مفاهیم کلیدی آشنا شود. سپس بازخورد آموزشی و نقش آن در ایجاد انگیزه و بهبود یادگیری مورد بررسی قرار گرفته و انواع بازخورد، ویژگی‌های معلم مؤثر و شیوه‌های ارائه آن تحلیل شده است. فصل‌های بعدی کتاب به تعامل میان بازخورد و انگیزه، و چگونگی تأثیر هوش هیجانی بر تجربه یادگیری اختصاص یافته است. در این بخش‌ها، ارتباط میان عوامل روان‌شناختی و محیط آموزشی بررسی شده و مثال‌ها و مطالعات میدانی برای روشن‌تر شدن کاربردهای نظری ارائه شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب، توجه به ابعاد فردی و فرهنگی دانش‌آموزان است. هر دانش‌آموز ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و عوامل فرهنگی، محیطی و خانوادگی بر رفتار، انگیزه و

دریافت بازخورد او اثرگذار است. معلمان و پژوهشگران با درک این تفاوت‌ها می‌توانند راهکارهایی طراحی کنند که توانمندی‌های هر دانش‌آموز را به حداکثر برساند. علاوه بر این، کتاب به اهمیت خودتنظیمی یادگیری و مهارت‌های اجتماعی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان تنها زمانی می‌توانند موفق باشند که توانایی مدیریت هیجانات، برنامه‌ریزی برای یادگیری و تعامل مثبت با همسالان و معلمان را کسب کرده باشند.

در طول نگارش این کتاب، تلاش شده است تا دیدگاه‌های مختلف نظری و پژوهشی ترکیب شوند و خواننده تصویری جامع و منسجم از ارتباط میان هوش هیجانی، انگیزه تحصیلی و بازخورد آموزشی به دست آورد. استفاده از مطالعات موردی، تحلیل رفتار دانش‌آموزان و بررسی مدل‌های علمی، به خواننده کمک می‌کند تا کاربرد نظریه‌ها را در محیط واقعی کلاس درک کند و راهبردهای عملی برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری ارائه شود.

این کتاب برای معلمان، مربیان، پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های تربیتی طراحی شده است تا بتوانند درک عمیق‌تری از فرآیندهای روان‌شناختی در آموزش پیدا کنند و از ابزارهای علمی و عملی برای افزایش انگیزه و اثربخشی یادگیری استفاده کنند. همچنین مدیران آموزشی می‌توانند با بهره‌گیری از این دانش، سیاست‌ها و برنامه‌هایی تدوین کنند که محیط یادگیری را حمایت‌کننده، انگیزشی و توسعه‌دهنده مهارت‌های هیجانی و اجتماعی دانش‌آموزان کند.

هدف نهایی این اثر، ارتقای کیفیت یادگیری و آموزش است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند علاوه بر کسب دانش علمی، مهارت‌های هیجانی و انگیزشی خود را نیز پرورش دهند و آماده مواجهه با چالش‌های زندگی و تحصیل باشند. این کتاب به معلمان نشان می‌دهد که بازخورد آموزشی و انگیزه تحصیلی، تنها ابزارهای تکنیکی نیستند، بلکه ابزارهایی برای توسعه شخصیت و توانمندی‌های جامع دانش‌آموزان به شمار می‌آیند.

امید است این کتاب، سهمی هرچند کوچک در توسعه آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، ارتقای کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز و گسترش پژوهش‌های کاربردی در حوزه هوش هیجانی و انگیزه تحصیلی ایفا کند. باور داریم که محیط آموزشی کارآمد، جایی است که یادگیری به تجربه‌ای مثبت و هیجان‌برانگیز تبدیل شود و دانش‌آموزان با انگیزه و اعتماد به نفس برای مواجهه با چالش‌های تحصیلی و زندگی آماده شوند.

در پایان، لازم به ذکر است که هر فصل کتاب با هدف ایجاد تعادل میان مبانی نظری و کاربرد عملی نوشته شده است و سعی شده است خواننده هم بتواند مفاهیم علمی را درک کند و هم از راهکارهای عملی برای استفاده در کلاس درس بهره‌مند شود. این متن می‌تواند به عنوان یک

راهنمای جامع برای پژوهش‌های آتی، طراحی برنامه‌های آموزشی و توسعه مهارت‌های معلمان
مورد استفاده قرار گیرد و به ایجاد فضایی انگیزشی، حمایت‌کننده و خلاق در مدارس کمک کند.

فصل اول

مبانی نظری هوش هیجانی در آموزش

تعریف و مفهوم هوش هیجانی

هوش هیجانی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در روان‌شناسی معاصر، به توانایی فرد در شناسایی، درک و تفسیر هیجان‌های خود و دیگران اشاره دارد. این مفهوم فراتر از شناخت صرف احساسات بوده و شامل مهارت‌هایی است که فرد را قادر می‌سازد هیجان‌ها را به شکلی آگاهانه در جهت تصمیم‌گیری، رفتار و تعاملات اجتماعی هدایت کند. در فضای آموزشی، هوش هیجانی نه تنها یک ویژگی فردی بلکه عاملی تأثیرگذار بر کیفیت یادگیری و تجربه تحصیلی محسوب می‌شود. توجه به این مفهوم نشان می‌دهد که آموزش صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی عمیق و چندبعدی است که هیجان نقش اساسی در آن ایفا می‌کند.

در تعریف دقیق‌تر، هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانمندی‌های ذهنی و عاطفی است که به فرد امکان می‌دهد هیجان‌های خود را به درستی نام‌گذاری کرده، منشأ آن‌ها را تشخیص دهد و پیامدهای رفتاری هر هیجان را پیش‌بینی کند. این توانایی باعث می‌شود فرد بتواند واکنش‌های هیجانی خود را مدیریت کرده و از رفتارهای تکانشی یا مخرب جلوگیری کند. در محیط‌های آموزشی که دانش‌آموزان به طور مداوم با فشارهای تحصیلی، ارزیابی‌ها و تعاملات اجتماعی روبه‌رو هستند، درک صحیح هیجان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ تعادل روانی و عملکرد تحصیلی دارد.

مفهوم هوش هیجانی همچنین بر ارتباط میان هیجان و شناخت تأکید می‌کند. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که عقل و احساس را دو مقوله جداگانه می‌دانستند، این مفهوم نشان می‌دهد که هیجان‌ها می‌توانند فرآیندهای شناختی مانند توجه، حافظه و حل مسئله را تقویت یا تضعیف کنند. زمانی که یادگیرنده قادر است هیجان‌های خود را بشناسد و آن‌ها را تنظیم کند، ذهن او آمادگی بیشتری برای پردازش اطلاعات جدید خواهد داشت. این پیوند میان هیجان و شناخت، جایگاه هوش هیجانی را در نظریه‌های نوین یادگیری برجسته کرده است.

از منظر آموزشی، تعریف هوش هیجانی به گونه‌ای گسترش می‌یابد که تعاملات بین فردی را نیز در بر می‌گیرد. توانایی درک هیجان‌های دیگران، همدلی با آن‌ها و پاسخ مناسب به شرایط عاطفی محیط، از عناصر کلیدی این مفهوم است. دانش‌آموزی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردار است، روابط سازنده‌تری با معلمان و همکلاسی‌ها برقرار می‌کند و در موقعیت‌های گروهی عملکرد موفق‌تری دارد. این ویژگی‌ها موجب شکل‌گیری فضای یادگیری مثبت و مشارکتی می‌شود که خود زمینه‌ساز رشد تحصیلی و اجتماعی است.

تعریف هوش هیجانی در آموزش، نگاهی جامع به رشد انسان ارائه می‌دهد که در آن موفقیت تحصیلی تنها به نمره و توانایی شناختی محدود نمی‌شود. این مفهوم بر پرورش انسان‌هایی متعادل، آگاه و توانمند تأکید دارد که قادرند هیجان‌های خود را در مسیر یادگیری و زندگی هدایت کنند. چنین نگاهی، آموزش را به فرآیندی انسانی‌تر و عمیق‌تر تبدیل می‌کند و ضرورت توجه به ابعاد هیجانی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی را آشکار می‌سازد.

تاریخچه شکل‌گیری نظریه هوش هیجانی

ریشه‌های نظری هوش هیجانی را می‌توان در تلاش‌های اولیه روان‌شناسان برای درک ابعاد غیرشناختی هوش جست‌وجو کرد. در اوایل قرن بیستم، تمرکز اصلی پژوهش‌های روان‌شناسی بر سنجش توانایی‌های شناختی و بهره هوشی بود و موفقیت فردی اغلب با توانایی حل مسائل منطقی تعریف می‌شد. با این حال، مشاهده تفاوت‌های چشمگیر میان افراد با بهره هوشی مشابه، پژوهشگران را به این فکر واداشت که عوامل دیگری نیز در عملکرد و سازگاری انسان نقش دارند. این نگاه تدریجاً زمینه‌ساز توجه به نقش هیجان‌ها در رفتار و تصمیم‌گیری شد.

در دهه‌های بعد، نظریه‌پردازانی مانند تورندایک مفهوم هوش اجتماعی را مطرح کردند و بر توانایی فرد در درک و مدیریت روابط انسانی تأکید داشتند. این دیدگاه، نخستین گام جدی در فاصله گرفتن از نگاه صرفاً شناخت‌محور به هوش محسوب می‌شد. هوش اجتماعی نشان می‌داد که توانایی تعامل مؤثر با دیگران و فهم هیجان‌های آنان می‌تواند به اندازه مهارت‌های شناختی اهمیت داشته باشد. این ایده‌ها اگرچه در آن زمان به‌طور گسترده توسعه نیافتند، اما پایه‌ای نظری برای شکل‌گیری مفاهیم بعدی فراهم کردند.

در نیمه دوم قرن بیستم، با رشد روان‌شناسی انسان‌گرا و توجه به تجربه‌های درونی انسان، نقش هیجان‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. پژوهشگران این حوزه بر اهمیت خودآگاهی، پذیرش هیجان‌ها و رشد شخصی تأکید کردند. این جریان فکری، فضای علمی را برای پذیرش

مفهومی فراهم ساخت که هیجان را نه مانعی برای عقل، بلکه بخشی جدایی ناپذیر از آن می‌دانست. در چنین بستری، ایده هوش هیجانی به تدریج شکل منسجم‌تری به خود گرفت. در دهه‌های پایانی قرن بیستم، مفهوم هوش هیجانی به صورت رسمی وارد ادبیات علمی شد و پژوهش‌های متعددی به تبیین ابعاد آن پرداختند. نظریه پردازان این حوزه تلاش کردند مولفه‌های مشخصی برای این نوع هوش تعریف کنند و آن را به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌های قابل آموزش و پرورش معرفی نمایند. این نگاه جدید، تأثیر قابل توجهی بر حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، مدیریت و مشاوره گذاشت و نشان داد که هیجان‌ها نقش فعالی در عملکرد انسان دارند. ورود هوش هیجانی به حوزه آموزش، نقطه عطفی در تاریخ این نظریه به شمار می‌آید. پژوهش‌های آموزشی نشان دادند که موفقیت تحصیلی تنها به توانایی‌های شناختی وابسته نیست و مهارت‌های هیجانی نقش مهمی در انگیزش، پایداری و تعاملات آموزشی ایفا می‌کنند. این تحول تاریخی باعث شد نظام‌های آموزشی به تدریج به پرورش ابعاد هیجانی یادگیرندگان توجه نشان دهند و هوش هیجانی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی آموزش نوین مطرح شود.

رویکردهای مختلف به هوش هیجانی

هوش هیجانی در طول زمان از منظرهای نظری متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته و هر رویکرد تلاش کرده است این مفهوم را بر اساس چارچوب فکری خود تبیین کند. برخی رویکردها بر ماهیت شناختی هوش هیجانی تمرکز دارند و آن را مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی مرتبط با پردازش اطلاعات هیجانی می‌دانند. در این نگاه، فردی دارای هوش هیجانی بالاتر است که بتواند هیجان‌ها را به درستی تشخیص دهد، آن‌ها را تحلیل کند و در موقعیت‌های مختلف به کار گیرد. این رویکرد بیشتر بر جنبه‌های قابل سنجش و ساختارمند هوش هیجانی تأکید دارد. در مقابل، رویکردهای شخصیتی هوش هیجانی را بخشی از ویژگی‌های پایدار شخصیت انسان تلقی می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، هوش هیجانی شامل صفاتی مانند همدلی، خوش‌بینی، کنترل تکانه و سازگاری هیجانی است که در طول زمان شکل می‌گیرند. این رویکرد بر این باور است که تجربه‌های زندگی، تربیت خانوادگی و محیط اجتماعی نقش مهمی در رشد این ویژگی‌ها دارند. در حوزه آموزش، این نگاه اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را برجسته می‌سازد.

رویکردهای تلفیقی تلاش می‌کنند میان توانایی‌های شناختی و ویژگی‌های شخصیتی پیوند برقرار کنند. در این چارچوب، هوش هیجانی به عنوان ترکیبی از مهارت‌های قابل یادگیری و ویژگی‌های